

رابطه دولت و نهادهای مدنی در ارتباط با خلیج فارس

حمید سلطانیان

سرشناسه	: سلطانیان، حمید، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	: رابطه دولت و نهادهای مدنی در ارتباط با خلیج فارس/ حمید سلطانیان.
مشخصات نشر	: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ ص.
شابک	: ۶-۰۴۴-۴۵۳-۶۰۰-۹۷۸ : ۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: جامعه مدنی - ایران
موضوع	: Civil society - Persian Gulf Region
موضوع	: جامعه مدنی - کشورهای عربی
موضوع	: Civil society - Arab countries
موضوع	: ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۴
موضوع	: Iran - Politics and government - 20 th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵/۲۸۳/ج۳۳۶
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۹۵۴۵۸

عنوان کتاب	: رابطه دولت و نهادهای مدنی در ارتباط با خلیج فارس
ناشر	: موسسه فرهنگی انتشاراتی اندیشه کامیاب ایرانیان
دفتر انتشارات	: تهران - خ انقلاب - پج شمیران - خ نور محمدی - پلاک ۳۷ - واحد ۱۲ Email: e_a_kamyab@yahoo.com - ۷۷۶۱۰۰۰۰
مؤلف	: حمید سلطانی
ویراستار	: محبوبه رضایی
مدیر تولید	: موسسه آموزشی خوارزمی
صفحه آرا	: سید حمید احمدزاده نیک
طراح جلد	: امیر هاشمی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۵
چاپ و صحافی	: موسسه آموزشی خوارزمی
ناظر چاپ	: مهندس پیمان عباد
قیمت	: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۶-۰۴۴-۴۵۳-۶۰۰-۹۷۸
ISBN: 978 - 600 - 453 - 044 - 6

مقدمه

موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی رابطه متقابل دولت و نیروهای اجتماعی و نهادهای مدنی است. در هر جامعه‌ای دولت در درون شبکه پیچیده‌ای از علانق و منافع اجتماع و اقتصاد قرار دارد؛ درحقیقت خود دولت حاصل صورت‌تبدلی خاصی از روابط میان نیروهای اجتماعی است. جامعه و نیروهای اجتماعی بستر و زمینه‌ی عمل دولت و ماهیت آن را تعیین می‌کنند. حتی از ساختار قدرت سیاسی صحبت می‌کنیم منظور شکل اعمال حاکمیت، مسئولیت‌ها، فرصت‌های پیش روی نیروهای اجتماعی و نهادهای مدنی برای ایفای نقش مشارکتی و رقابتی سیاسی و اجتماعی است.

جامعه مدنی، حوزه زندگی اجتماعی سازمان یافته است که ارادی، خودجوش و مستقل از دولت است و گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی را در برمی‌گیرد. در جامعه مدنی احزاب، گروه‌ها، احزاب در چارچوب قواعد بازی دموکراتیک منافع و مطالبات گروهی خود را پیگیری می‌کنند.

دو تعبیر در خصوص رابطه دولت و جامعه مدنی وجود دارد. در یک تعبیر، نهادهای مدنی در حکم کرم روده دولت و مزاحم دولت هستند، این تعبیر، تعبیر هابزی معروف است. در این تعبیر یک نگاه خصمانه به نهادهای مدنی است و اجازه شکل‌گیری و مشارکت به نهادهای مدنی داده نمی‌شود. در تعبیر دوم، در جهت عکس، نهادهای مدنی یک رویکرد سلبی به دولت دارند و فلسفه وجودی خود را صرفاً انتقادی و رابطه خصمانه به دولت می‌بینند.

اما تعبیر درست، تعبیر همکاری جویانه و همزیستی و رابطه متقابل بین دولت و نهادهای مدنی است، با این تعبیر، از یک سو حکومت بسترها و فرصت‌های لازم را برای گسترش و توانمندی جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و مطالبات، انتقادات و انتظارات جامعه مدنی را به فال نیک گرفته و به آنها پاسخ می‌دهد؛ زیرا که نقدها و چالش‌ها باعث هوشیاری حکومت به ضعف‌های خود شده و با رفع آنها توانمند می‌گردد. ازسوی دیگر شایسته و بایسته است که نهادها و انجمن‌های مدنی و احزاب ضمن احترام به قواعد و

ارزش‌های دموکراتیک، اخلاق مدنی، تعهد به قانون و مصالح عمومی و مسئولیت‌پذیری مدنی خود، در ارتباط با دولت صرفاً به رویکرد انتقادی روی نمی‌آورند بلکه در کنار نقدهای سازنده، بایستی همکاری جویی و نگاه تأییدی به دولت نیز داشته باشند. تنها در این فضای تعاملی، اعتماد و همکاری و دوسویگی صحیح بین دولت و جامعه مدنی است که حکمرانی موفق حاصل می‌شود.

می‌توان گفت که انجمن‌های مدنی در حکم نیروی حیات بخش و خون لازم برای مردم سالاری هستند، در غیاب آنها، توانایی افراد برای تأثیر گذاری بر پویشهای سیاسی، حکمرانی و کارآمدی در حد ناچیز خواهد بود. هرچه نهادها و انجمن‌های مدنی از حیث کمی و کیفی (اعتدال، همکاری و انسجام درون سازمانی و برون سازمانی) در سطح بالاتری باشند و از ظرفیت منابع و نگاه بالاتری برخوردار باشند توان تأثیر گذاری آنها بر حکومت و پاسخ‌گوسازی آن بیشتر خواهد شد.

استمرار مردم سالاری و حزب سالم مستلزم همکاری جویی دولت و افزایش سعه صدر، ظرفیت‌های مشارکتی و اعطای در حکومت نسبت به نهادهای مدنی و تلقی از آنها به مثابه مکمل برای حکمرانی بهتر و تسهیل سازی مطلوب است و هم چنین، مستلزم رابطه همکاری جویی نهادهای مدنی به دولت در کنار پابندی آنها به قانون، اصول مدنی، باورها و ارزشهای مورد قبول جامعه و شهروند سازی است. در غیر این صورت، در نبود چنین بستری، بین دولت و نهادهای مدنی شکاف و بی‌گامی، عدم اعتماد حاصل می‌شود و نتیجه نهایی آن، جنگ قدرت و ستیزه جویی مستمر بین آن دو خواهد بود.

منطقه خلیج فارس یکی از مناطقی است که از حیث ساخت سیاسی دارای نظام‌های سلطنتی موروثی و الیگارشیک هستند و از حیث اجتماعی دارای ساختار قبیله‌ای و طایفه‌ای و ساخت پدر سالار در خانواده هستند، فرهنگ تابعیت منبعث از چنین ساخت اجتماعی در گستره تاریخی تاکنون به تحکیم و استمرار نظام‌های موروثی انجامیده است.

در منطقه خلیج فارس به دلایل مهمی، نهادهای مدنی رشد بسیار بطئی داشته و از سوی دیگر با محدودیت‌های جدی سیاسی و فرهنگی- اجتماعی مواجه بوده‌اند. در این منطقه، به هیچ وجه شاهد رابطه دو سویه و تعاملی بین دولت و نهادهای مدنی نبوده ایم و جهت رابطه کاملاً یک سویه و محدودیت آفرین برای نهادهای مدنی بوده است. این دلایل عبارتند از:

۱. ساخت حکومت اقتدارگرای سلطنتی که نگاه کاملاً سلبی به نهادهای مدنی دارد و تکثر قدرت و مشارکت را بر نمی‌تابد.

۲. فرهنگ تابعیت ریشه دار و تاریخی که سد مهمی در مقابل فرهنگ مشارکتی بوده است.

۳. ارتباط متقابل حمایتی بین حکومت سلطنتی و بازیگران سنتی یعنی قبایل و علمای سلفی نیز راه را بر ایجاد و گسترش نهادهای مدنی سد کرده است.

۴. توده‌ها به دلیل فرهنگ غالب تابعیت و سیاست‌های رفاهی و توزیعی دولت تاکنون همراه خوبی، ای نهادهای مدنی نبوده‌اند.

۵. دلایل شکافهای سیاسی و اجتماعی بین نیروهای اجتماعی در طیف‌های سکولار، ملی‌گرا و اسلام‌تاکنون، امکان ائتلاف و همکاری بین نهادهای مدنی هر چند ضعیف وجود نداشته است، این امر باعث ماندگاری اقتدارگرایی در این منطقه شده است.

در ایران بر خلاف کشور های حوزه خلیج فارس به دلایلی مانند ساخت حکومتی مردم سالاری دینی و تغییر و تحولات در ساختارهای جمعیتی، شهرنشینی، اقتصادی، آموزشی و مانند آن در بیش از دو دهه اخیر شاهد گسترش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی فزاینده بوده ایم و هم شاهد حضور و ایجاد نهادهای اجتماعی جدید بوده ایم. در چند دهه اخیر، شاهد شکل‌گیری و گسترش نسبی نهادهای مدنی در قالب احزاب، انجمن‌ها، گروه‌ها و نهادهای مدنی غیر دولتی بوده ایم.

با وجود گسترش نسبی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و نهادهای مدنی، هنوز ما شاهد تحزب سالم و قاعده مند و روابط سالم و همکاری جویانه بین دولت و نهادهای مدنی نبوده ایم. در ایران عمدتاً به جای رابطه همکاری جویی و اعتماد دو سویه بین دولت و نهادهای مدنی عمدتاً شاهد رابطه‌های حاکی از بی اعتمادی و عدم همکاری یا همکاری ضعیف بین آن دو بوده ایم. در هر دوره با حاکم شدن یک جریان سیاسی، از یک سو نوع نگاه نهادهای مدنی قبلی و جریان حاکم به نهادهای رقیب عمدتاً یک نگاه منفی و بی اعتمادی بوده است و متقابلاً نهادها و بازیگران مدنی و سیاسی خارج از حکومت نگاه منفی به دولت و جریان حاکم داشته‌اند. از سوی دیگر، نهادهای مدنی در روابط با خود در سپهر مدنی عمدتاً از قانونمندی، مسئولیت پذیری مدنی، نقد پذیری و مانند آن خارج شده و به سمت جامعه سیاسی قدرت بنیاد و بریدن از اخلاق سمت و سوی جدی داشته‌اند.

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۱	فصل اول
۱۱	جامعه مدنی و دولت
۱۸	رابطه بین ساخت حکومت و جامعه مدنی
۲۵	علایم منحصر یک حکومت توتالیتار
۲۷	فصل دوم
۲۷	تمایز جامعه مدنی و جامعه سیاسی
۳۱	ویژگیهای جامعه مدنی
۳۳	کار ویژههای جامعه مدنی
۳۷	فصل سوم
۳۷	الزامات و پیش شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی برای عملکرد موفقیت آمیز جامعه مدنی
۳۷	در گذار به دموکراسی
۳۷	پیش شرایط سیاسی اجتماعی فرهنگی برای گذار به دموکراسی
۳۹	شرایط سیاسی
۴۰	شرایط اقتصادی
۴۱	شرایط فرهنگی
۴۲	شرایط اجتماعی
۴۲	شرایط فکری
۴۳	شرایط روانشناختی
۴۷	فصل چهارم
۴۷	طرح اجمالی دو الگوی رابطه دولت و جامعه مدنی و نهادهای مدنی در چارچوب نظریه سیستمی
۴۸	الگوی غیر تعاملی و بیاعتمادی بین دولت و جامعه مدنی و نهادهای مدنی
۴۹	الگوی تعاملی و همکاریجویانه
۴۹	تحلیل نظری رابطه تعاملی و همکاریجویانه بین دولت و نهادهای مدنی در چارچوب مدل سیستمی

فصل پنجم.....	۵۵
دولت و نهادهای مدنی در شیخ نشینهای خلیج فارس.....	۵۵
نهادهای مدنی در شیخ نشینهای خلیج فارس.....	۵۶
ساختار قدرت سیاسی یا حکومتهای پاتریمونیال و نهادهای مدنی در شیخ نشینهای خلیج فارس.....	۵۷
ویژگیهای حکومتهای پاتریمونیال منطقه.....	۵۷
عدم امکان شکل گیری جامعه مدنی نیرومند و استقلال نهادهای مدنی در ساخت قدرت سیاسی پاتریمونیال.....	۶۰
ساختار قدرت سیاسی در عربستان.....	۶۱
ساختار قدرت سیاسی کویت.....	۶۲
ساختار نظام سیاسی بحرین.....	۶۴
احزاب و گروههای سیاسی بحرین.....	۶۵
ساختار قدرت سیاسی در قطر.....	۶۶
فصل ششم.....	۶۹
ساختار اجتماعی و فرهنگی نهادهای مدنی در شخشنشینهای خلیج فارس.....	۶۹
ساخت اجتماعی قبیلهای - طایفه‌ای و قبیله‌تباریت و عدم امکان رشد و نیرومندی نهادهای مدنی.....	۷۰
ائتلاف حکومتهای محافظه کار بانهادهای سنتی مانند راجا و قبایل به مثابه مانع مهم بر سر راه نهادهای مدنی.....	۷۲
وضعیت اقتصادی کشورهای عربی و عدم امکان نیرومندی نهادهای مدنی.....	۷۳
چشم‌انداز نهادهای مدنی در سالهای اخیر و در آینده.....	۷۶
منابع و مآخذ.....	۷۹
منابع فارسی.....	۷۹
منابع غیر فارسی.....	۸۵